

بررسی آثار اسکینر و کاوشی در نقد وی بر متدلوژی قرائت زمینه‌ای

سید خدایار مرتضوی*

چکیده

بر پایه متدلوژی قرائت زمینه‌ای، آرا و اندیشه‌های هر متفکری به منزله پاسخ به شرایط بی‌واسطه زمانه و محیط زندگی وی است بنابراین، نباید صرفاً متون و آثار متفکران (اعم از گذشتگان و معاصران) را مطالعه نمود؛ بلکه ترجیحا و ضرورتاً باید زمینه اجتماعی-تاریخی پدیده‌ها و اتفاقاتی را مطالعه کرد که آن متون در واکنش به آن‌ها نگارش یافته و درصدد تبیین آن‌ها برآمده‌اند. فرض بنیادین این متدلوژی آن است که هرمتنی نه به‌طور مجرد و غیرتاریخی، بلکه بر حسب زمینه اجتماعی-تاریخی خاصی شکل می‌گیرد و فهم هر متن مستلزم و منوط به فهم زمینه آن است. اسکینر ضمن موافقت با قسمت اول این فرض، قسمت دوم آن را نامناسب و ناکافی می‌داند و براین اساس، متدلوژی قرائت زمینه‌ای را به‌صورت یک متدلوژی ناکافی تلقی نموده و مورد نقد قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: اسکینر، متدلوژی، قرائت زمینه‌ای، قرائت متنی، زمینه اجتماعی-تاریخی، متن و مؤلف.

* پژوهشگر.

مقدمه

مباحث متدلوژیک اسکینر دست‌کم در دو دهه اخیر نقشی مؤثر در پرداختن به این مباحث در غرب داشته است؛ از همین رو آثار وی، به‌ویژه کتاب‌های بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن، ماکیاولی و بینش‌هایی (نگرش‌هایی) درباره سیاست، در زمره مهم‌ترین آثار سده بیستم در زمینه متدلوژی و تاریخ مفاهیم و اندیشه‌های سیاسی مدرن شناخته شده‌اند. آنچه بیش از همه باعث شهرت جهانی اسکینر از یک سو و واکنش‌های مثبت و منفی فراوان سایر متفکران در برابر وی از سوی دیگر شد، مباحث وی در زمینه متدلوژی است که با نقد دو متدلوژی قرائت زمینه‌ای و قرائت متنی آغاز شده و به تصدیق و تکوین متدلوژی خاص وی برپایه ترکیب دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، زبان‌شناختی و فلسفی متفکرانی چون وبر، ویتگنشتاین و آستین انجامید.

در این میان، نقد اسکینر بر متدلوژی قرائت زمینه‌ای به رغم وجود برخی اشتراک‌های مهم با متدلوژی خاص اسکینر که در بسیاری موارد مرز میان آن‌ها را کمرنگ یا ناپدید ساخته، شایان توجه و تأمل است. مقاله حاضر درصدد کنکاش و بررسی این موضوع در آثار اسکینر برآمده است. این مقاله از دو قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول، ابتدا مسأله اصلی اسکیز طرح خواهد شد؛ سپس آثار وی با توجه به این مسأله و بر اساس چگونگی به‌کارگیری مباحث متدلوژیک وی در عمل، به‌طور مختصر بررسی و معرفی می‌شوند. در قسمت دوم نقد اسکینر بر متدلوژی قرائت زمینه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد که در نهایت ناکفایتی آن را نمایان می‌سازد.

مسأله اسکینر و آثار وی

کوئنتین اسکینر (Quentin Skinner)، استاد تاریخ اندیشه‌های سیاسی مدرن دانشگاه کمبریج و از پژوهشگران برجسته معاصر است که در سال‌های اخیر، حاصل پژوهش‌های وی در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی، به‌ویژه در زمینه متدلوژی تاریخ ایده‌ها و اندیشه‌های سیاسی مورد توجه اندیشه‌وران و صاحب‌نظران این رشته‌ها قرار گرفته است؛ با وجود این، دیدگاه اسکینر و به‌ویژه متدلوژی او در جامعه علمی ما چندان شناخته شده نیست و حتی برخی استادان و دانش‌آموختگان رشته‌های تاریخ، فلسفه و علوم سیاسی نیز با آثار و پژوهش‌های وی چنان‌که باید و شاید آشنا نیستند و کم نیستند کسانی که حتی از نام وی

نیز آگاهی ندارند؛ بنابراین، شایسته و بلکه ضروری است تا ابتدا به اهمیت و جایگاه متدلوزی وی در میان متفکران معاصر غربی پرداخته شود؛ سپس آثار مهم او به اختصار بررسی و معرفی شوند و آنگاه، نقد وی بر متدلوزی قرائت زمینه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

گستره و عمق توجه به پژوهش‌های اسکینر در زمینه متدلوزی را می‌توان با مراجعه به مقالات کتاب *معنا و زمینه، کوئنتین اسکینر و منتقدانش* و کتاب‌شناسی مندرج در پایان آن که به اهتمام جیمز تولی گردآوری و تدوین شد، به روشنی ملاحظه کرد (Tully:1988). جیمز تولی در این کتاب مهم‌ترین مقالات اسکینر در باب متدلوزی و برخی از نقدهای اساسی وارد شده بر آن مقالات و در نهایت پاسخ‌های اسکینر به این نقدها را که به اصلاح دیدگاه‌های اولیه او و ترسیم دیدگاه‌های کنونی‌اش انجامید، جمع‌آوری و منتشر کرد. تولی در صفحات آغازین این کتاب تفکر اسکینر را تفکری با ارزش هم برای پژوهشگران و هم برای دانش‌جویان قلمداد کرده، می‌نویسد:

تفکر اسکینر با تحسین عالی و نقد صریح تعدادی از پژوهشگران رشته‌های گوناگون مواجه شده است. پاسخ‌های انتقادی به آثار او عموماً کیفیت بسیار بالایی دارند که با اذعان به گستره و اهمیت آثار اسکینر، بسیاری از مسائل مهم و برجسته را در فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه سیاسی و تاریخ نظریه سیاسی ملاحظه می‌کنند (Ibid, P.3).

هدف اصلی اسکینر از پرداختن به مباحث متدلوزیک، طرح و بررسی این مسأله اساسی است که در تلاش برای فهم اثر یا متن چه روش‌های مناسبی باید اتخاذ کرد؟ در این جهت، وی سؤالات دیگری را نیز مطرح می‌کند؛ از جمله این‌که چگونه و بر اساس چه معیاری متن را باید تفسیر کرد؟ آیا متن یک موضوع (ابژه) خودکفای مستقل و خود مختار است؟ آیا مؤلف می‌تواند فراتر از زمان و مکان یا جدا از زمینه اجتماعی، تاریخی و زبانی خویش بیندیشد یا به تألیف متن یا اثر اقدام کند؟ آیا فهم انگیزه‌ها و نیات مؤلف متن امکان‌پذیر است و آیا اساساً می‌توان به قصد و نیت مؤلف متن پی‌برد و بدان دست یافت و...؟ این سؤالات بنا به تصریح اسکینر ضرورتاً زمانی مطرح می‌شوند که مورخ یا پژوهشگر با متن و اثری انسانی مواجه می‌شود و می‌خواهد آن را بفهمد، خواه این متن یا اثر، ادبی باشد و خواه فلسفی و خواه اخلاقی، دینی، تاریخی و سیاسی باشد. به عبارت دیگر، مسأله اسکینر مسأله اصلی و آغازین هر پژوهشگر علوم انسانی است.

پژوهشگران ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نیستند و خواه ناخواه با این مسأله مواجه

شده‌اند و خواهند شد و از آن گریزی نیست؛ بنابراین، پرداختن به این مسأله و بررسی توضیحات و دیدگاه‌های اسکینر درباره آن که به تکوین متدلوژی وی انجامیده است می‌تواند روش تحقیق مناسبی را برای انجام پژوهش‌های مربوط به علوم انسانی، به‌ویژه پژوهش‌های مربوط به تاریخ اندیشه و فلسفه سیاسی فراهم آورد.

از آن‌جا که اسکینر خود پژوهشگری برجسته در رشته علوم انسانی به‌ویژه در حوزه تاریخ ایده‌ها و اندیشه‌های سیاسی و فلسفی در دوران مدرن بوده و متدلوژی وی در این حوزه شکل گرفته و در همین حوزه نیز عملاً و به‌طور عینی به‌کار گرفته شده است، ضرورت پرداختن به این متدلوژی و توجه به نکات مهم و مؤثر آن در پژوهش‌های تاریخی، فلسفی و اندیشه‌شناسانه محرز می‌شود و دوچندان می‌نماید. بر همین اساس است که برخی شارحان و منتقدان او از شکل‌گیری نوعی پارادایم مبتنی بر «انقلاب اسکینری» (Skinnerian Revolution) در مطالعه و بررسی ایده‌ها و اندیشه‌های سیاسی سخن به میان آورده‌اند (Palonen, 2003: p.p, 4-5).

از این منظر، اسکینر با بهره‌گیری از دیدگاه نومیالیستی ماکس وبر در تفسیر کنش‌های انسانی و دیدگاه زبانی ویتگنشتاین مبنی بر این که کلمات همان کنش‌ها هستند (Words Are Deeds) و مهم‌تر از آن با استفاده از «نظریه کنش گفتاری» (Speech Act Theory) آستین به تحقیق و بررسی در باره ایده‌ها و اندیشه‌های سیاسی در طول تاریخ، به‌ویژه در تاریخ مدرن می‌پردازد (Ibid). به بیان دیگر، اسکینر از فلسفه ویتگنشتاین و آستین به صورت ابزاری در تحلیل تاریخ استفاده می‌کند و در واقع این فلسفه را به سمت تحلیل تاریخ سوق می‌دهد (Ibid, p.5).

انقلاب اسکینری در زمینه متدلوژی، حاصل ترکیب تاریخ، سیاست و علم معانی بیان است و این ترکیب بر پایه سه مرحله علمی صورت گرفته. به این ترتیب که وی ابتدا در جایگاه مورخ به تحصیل و تدریس ایده‌ها و اندیشه‌های سیاسی و فلسفی پرداخت؛ سپس در نقش نظریه پرداز سیاسی ظاهر شد و آنگاه، نقطه عزیمت یا مرکز ثقل نظریه‌پردازی سیاسی را خود زندگی سیاسی (Political Life Itself) قرار داد و از حدود دهه ۱۹۹۰ به بعد به سمت علم معانی بیان (دوران باستان و رنسانس) چرخش یافت (Ibid, P.5).

محور اصلی این ترکیب حوزه سیاست و نظریه‌پردازی سیاسی است و اسکینر علم تاریخ یا تاریخ‌نگاری و علم معانی بیان را در خدمت سیاست و نظریه‌پردازی سیاسی قرار

می‌دهد و از آن‌ها برای فهم سیاست و مفاهیم و ایده‌های سیاسی استفاده می‌کند. اسکینر با بهره‌گیری از این ترکیب به سراغ حوزه تاریخ ایده‌ها و اندیشه‌های سیاسی می‌رود و در این حوزه، آثار متعددی را به رشته تحریر درآورده است که در این جا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

مروری اجمالی بر آثار اسکینر، به‌ویژه بررسی مقاله‌های وی در کتاب جیمز تولی، حاکی از این است که وی اساساً در چارچوب علم هرمنوتیک به‌طور عام و هرمنوتیک روشی به‌طور خاص نظریه‌پردازی کرده و در همین چارچوب نیز به نقد متدلوژی قرانت زمینه‌ای پرداخته، و از رهگذر این نقد، متدلوژی خاص خود را به منظور شناخت مفاهیم و اندیشه‌های سیاسی پی‌ریخته است.

کتاب دو جلدی *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن*، یکی از مهم‌ترین آثار اسکینر است که در آن اندیشه‌های سیاسی دوران نوزایی (رنسانس) و اصلاح دینی (رفرماسیون) بررسی و تحلیل شده است (Skinner, 1978). صرف‌نظر از محتوای این کتاب که ارزیابی و داوری درباره آن خارج از این بحث است، آنچه به لحاظ روش و متدلوژیک اهمیت یاد آوری دارد، این است که وی در این اثر، مفاهیم و اندیشه‌های سیاسی دوران مذکور را با توجه به زمینه تاریخی، اجتماعی و زبانی همان دوران مورد بحث قرار داده است.

نمونه دیگر از آثار اسکینر، کتاب معروف وی با عنوان *ماکیاولی* است که در آن اندیشه سیاسی ماکیاولی در چارچوب مباحثه‌ها و مجادله‌های فکری و زبانی روزگار وی بررسی شده و این یگانه کتاب اسکینر است که از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد چاپ گردیده و نیز یگانه کتاب اوست که به فارسی ترجمه شده است (کوئنتین، ۱۳۸۰، گفتنی است که سایر کتاب‌ها و آثار مهم اسکینر را انتشارات دانشگاه کمبریج چاپ و منتشر ساخته است). در این کتاب، اسکینر به منظور فهم اصطلاح فضیلت (Virtue) در اندیشه سیاسی ماکیاولی به جست‌وجوی معنای این اصطلاح در مباحث زبان شناختی و در فرهنگ لغات و آثار متفکران آن مقطع تاریخی (دوران رنسانس) می‌پردازد؛ سپس گرایش‌ها و جریان‌های فکری - سیاسی آن مقطع را بررسی می‌کند تا به قصد و هدف ماکیاولی از طرح و به‌کارگیری چنین اصطلاحاتی پی ببرد.

اثر دیگر وی کتابی با عنوان *آزادی قبل از لیبرالیسم* است که طی آن به بررسی مفهوم

آزادی و تغییر و تحول معنای آن از دوران جنگ‌های داخلی انگلستان در قرن هفدهم تا عصر مدرن و دوران لیبرالیسم می‌پردازد و در آن می‌کوشد تا تاریخ فکری (Intellectual History) را هرچه نزدیک‌تر به تاریخ واقعی (Real History) ارائه دهد و از جمله آثار و نتایج تلاش برای ارائه تاریخ فکری را پرداختن به موضوعاتی می‌داند که بیشتر مورد علاقه عموم هستند (Skinner, 1998: p. 106).

کتاب *عقل و ادبیات (علم معانی بیان)* در فلسفه هابز اثر دیگر اسکینر است که مفاد آن حاکی از نوعی بازنگری اساسی در نظریه سیاسی هابز می‌باشد (Skinner, 1996). در این اثر که با استفاده از مجموعه کامل دستنوشته‌ها و آثار چاپ شده هابز تهیه گردیده است، تفسیری کاملاً جدید و شگفت‌انگیز از تحول فکری هابز به عنوان پیچیده‌ترین چهره محوری در سنت سیاسی اروپا و نیز از تحول بنیادین اندیشه‌های سیاسی و اخلاقی اروپا از فرهنگ اومانیستی به فرهنگ علمی ارائه شده است. اساساً این کتاب از دو بخش تشکیل شده که بخش اول به بررسی تفصیلی و اساسی پذیرش علم معانی بیان کلاسیک در انگلستان دوران رنسانس می‌پردازد و از آنجا که در آن دوران یکی از آموزه‌های محوری اهل ادبیات این بود که یافته‌های عقل در صورتی از بیشترین کارایی و تاثیرگذاری اقماعی برخوردار می‌شوند که از طریق نیروی فصاحت و بلاغت حمایت و تقویت شوند، بخش عمده‌ای از مباحث این بخش به این آموزه و ریشه‌های فکری آن نزد خطیبان و نظریه‌پردازان کلاسیک، بویژه سیسرو اختصاص یافته است (Ibid, P.2). بخش دوم ایده علم مدنی هابز و سیر تحول فکری او را از اومانیسم به علم معانی بیان بررسی می‌کند. در این اثر، اسکینر نشان می‌دهد که چگونه برداشت هابز از علم مدنی به واسطه واکنش‌های در حال تغییر او نسبت به این آموزه محوری شکل گرفته است. چرا که هابز در آثار اولیه خود علیه آموزه‌های اومانیستی واکنش نشان داده و در جستجوی یک علم سیاست زمخت و رسمی بوده است ولی در *لویاتان* نه تنها از فصاحت و بلاغت و به‌کارگیری استدلال و متقاعدسازی در علوم انسانی طرفداری می‌کند بلکه خود استراتژی‌هایی برای استفاده کامل از علم معانی بیان ارائه می‌دهد (Ibid, P.3-4). هابز با الهام از این آموزه سیسرو که "حکمت فی نفسه خاموش و فاقد توان سخن گفتن است" و لذا "حکمت بدون فصاحت و بلاغت نمی‌تواند کمترین خیری به شهروندان برساند"، از "علوم به مثابه قدرت کوچکی" یاد

می‌کند که فی نفسه و بدون استمداد از علم معانی بیان نمی‌تواند ما را از کشفیات خود آگاه و متقاعد سازد (Ibid, P.2) در ارتباط با مقاله حاضر، نکته قابل توجه این است که اثر مزبور به مثابه نمونه‌ای عالی از بکارگیری رهیافت زمینه‌گرایی خاص "کمبریج" برای مطالعه تاریخ فکری است که باعث شده تا مطالعه این اثر برای طیف وسیعی از پژوهشگران رشته‌های تاریخ، فلسفه، سیاست و ادبیات جالب و حائز اهمیت گردد.

سرانجام مهم‌تر از همه، کتاب سه جلدی *بینش‌هایی (نگرش‌هایی) درباره سیاست* است که جلد اول آن تحت عنوان *ملاحظه روش*، به‌طور کامل به مباحث متدلوژیک اختصاص یافته، و حاوی کلیه مقالات روش‌شناختی وی درباره قرائت و تفسیر متون تاریخی به منظور فهم مفاد و مضمون آن‌ها است (Skinner, 2002).

این مقالات شامل مقالاتی است که پیش‌تر در مجلات و آثار دیگر به چاپ رسیده و پیش از آن جیمز تولی در کتاب *معنا و زمینه گرد آورده و منتشر کرده بود و این‌جا با اندکی تغییرات و اصلاحات در عنوان و محتوای آن‌ها دوباره به زیور طبع آراسته شده‌اند. در این جلد، کوشش اسکینر بر این بوده است تا این دیدگاه روش‌شناختی را طرح کند که برای نوشتن تاریخ ایده‌ها در یک سبک تاریخی مناسب باید آثار و متون مورد نظر را در زمینه‌های فکری و چارچوب‌های گفتمانی زمان پیدایی آن‌ها قرار داد تا آنچه را که نویسندگان از نوشتن آن‌ها مد نظر داشته‌اند فهمیده شود. در این خصوص، تأکید اسکینر بر نقش و کارکرد متون به‌صورت تجسم اعمال و کنش‌های ارتباطی و در نظر گرفتن آن‌ها در وضعیت بینا‌متنی (Intertextually) است. این جلد مهم‌ترین و اصیل‌ترین منبع برای شناخت متدلوژی اسکینر و نیز مهم‌ترین منبع برای پی‌بردن به نقد وی بر سایر متدلوژی‌ها از جمله نقد وی به دو متدلوژی قرائت زمینه‌ای و قرائت متنی به شمار می‌آید.*

جلدهای دوم و سوم این اثر که به ترتیب تحت عناوین *فضایل رنسانس و هابز و علم مدنی چاپ و منتشر شده‌اند، به موضوعات و مقولات اندیشه‌های سیاسی اروپا در دوران رنسانس و اوایل دوران مدرن مربوط می‌شوند که از آن جمله می‌توان به موضوعاتی چون واقعیت رنسانس، ارزش‌ها و فضایل جمهوری خواهی، ایده آزادی منفی، اومانیزم، اسکولاستیسم، حاکمیت مردمی و ابهام در اخلاقیات از یک‌سو و دیدگاه‌های متفکرانی چون ماکیاوولی، آمبرگیولورنتزو، توماس مور، جان میلتون و توماس هابز از سوی دیگر اشاره کرد.*

موضوع محوری جلد دوم جمهوری خواهی است که تحت عنوان نظریه آزادی و حکومت مورد بحث قرار گرفته (Skinner, 2002). در این جلد، ظهور دوباره و تحول این نظریه از قرن سیزدهم تا قرن شانزدهم بررسی شده که طبق آن تربیت شهروند فضیلت‌مند و آموزش دیده، کلیدی برای حفظ و تقویت آزادی دولت‌ها و همین طور آزادی افراد به شمار می‌آید.

در جلد سوم با عنوان هابز و علم مدنی ویژگی و تحول اندیشه سیاسی هابز با تمرکز خاص بر نظریه او درباره دولت بررسی شده است (Skinner, 2002, b). در این جلد، اسکینر کوشیده است تا بین دیدگاه هابز درباره مسائلی چون قدرت حاکمان و وظایف و آزادی‌های شهروندان و زمینه‌ها و محدودیت‌های اطاعت سیاسی شهروندان با دیدگاه حال تحول او درباره ماهیت علم مدنی و نیز جایگاه این علم در طرح کلی‌تر او از علوم ارتباط برقرار سازد. به عبارتی، اسکینر در این کتاب ماهیت و جایگاه علم مدنی را در نقشه کل علوم و با توجه به سایر علوم مشخص می‌کند.

بر این اساس، جلد اول بینش‌هایی (نگرش‌هایی) درباره سیاست بخش متدلوژیک این اثر سه جلدی، و در واقع کل متدلوژی اسکینر را تشکیل می‌دهد و جلد دوم و سوم (و نیز سایر آثار او) با استفاده از این متدلوژی به بررسی مفاهیم و اندیشه‌های سیاسی و یا به تحلیل دیدگاه‌های متفکران سیاسی می‌پردازد. به بیان دیگر، جلدهای دوم و سوم کتاب بینش‌هایی (نگرش‌هایی) درباره سیاست و همین‌طور سایر آثار اسکینر که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، همگی آثاری هستند که اسکینر بر پایه متدلوژی خود آن‌ها را نگاشته است و در حقیقت این آثار تحقق عینی یا مصادیق عملی کاربرد متدلوژی وی به‌شمار می‌آیند. متدلوژی خاص اسکینر بر پایه نقد دو متدلوژی قرائت زمینه‌ای و قرائت متنی استوار شده و این دو نقد در واقع به مثابه مقدمات سلبی تکوین متدلوژی خاص وی است که این‌جا نقد وی بر متدلوژی قرائت زمینه‌ای مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

مسئله اسکینر و پاسخ‌های دو متدلوژی رایج

اسکینر در پاسخ به مسئله اساسی مطروحه (مبنی بر این که چگونه می‌توان یک متن را فهمید) به دو پاسخ ارتدکسی یا به عبارت دقیق‌تر به دو متدلوژی رایج ولی کاملاً متفاوت اشاره و تصریح می‌کند که هر دو مقبولیت نسبتاً گسترده‌ای دارند.

یکی متدولوژی قرائت زمینه‌ای (Methodology of Contextual Reading) است که چارچوب (Framework) یا زمینه (Context) را تعیین کننده معنای متن می‌داند و فهم معنای هر متن را به فهم زمینه‌های فکری، دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن متن منوط می‌سازد. مطابق این متدولوژی، در هرگونه تلاش برای فهم معنای متن باید زمینه کلی (Total Context) یا چارچوب نهایی (Ultimate Framework) را که متن در آن تکوین یافته است، بازسازی کرد. دیگری متدولوژی قرائت متنی (Methodology of Textual Reading) است که بر «خود مختاری ذاتی متن» (Autonomy of The Text Itself) به صورت یگانه کلید ضرور برای فهم معنای آن تأکید دارد و هرگونه تلاش برای بازسازی زمینه اجتماعی و تاریخی متن به منظور فهم معنای آن را تلاشی بیهوده تلقی کرده، کنار می‌گذارد (Tully, 1988; p.29).

به تصریح اسکینر، هر دو متدولوژی پیشین به نقص و ناکفایتی اساسی دچارند و هیچ‌کدام از آن‌ها نمی‌تواند روش یا ابزار کافی و مناسبی برای دستیابی به فهم درست اثر یا متن باشد؛ به همین سبب، وی هر دو متدولوژی را به صورتی نقادانه بررسی و ارزیابی می‌کند و از این رهگذر، متدولوژی خاص را سامان می‌دهد که این متدولوژی به زعم خویش از انتقادهای وارد شده به آن دو متدولوژی مبرا بوده، دارای ویژگی‌ها و مزایایی است که نه در آن دو متدولوژی و نه در سایر متدولوژی‌ها یافت نمی‌شود (Ibid, p.63).

در این قسمت از مقاله، نقد اسکینر بر متدولوژی قرائت زمینه‌ای بررسی و ارزیابی، و طی آن، نکات یا تکنیک‌هایی عینی و انضمامی مطرح می‌شود که با ملاحظه آن‌ها پژوهشگران علوم انسانی به ویژه مورخان و اندیشمندان، و فیلسوفان سیاسی می‌توانند پژوهش‌های تاریخی، فلسفی، سیاسی و اندیشه‌شناسانه خود را به‌طور دقیق‌تر و روش‌مندتری انجام دهند.

کنکاشی در نقد اسکینر بر متدولوژی قرائت زمینه‌ای

به نظر اسکینر، متدولوژی قرائت زمینه‌ای اساساً در مقابل متدولوژی قرائت متنی قرار دارد و بیش از همه با مخالفت آن دسته از مورخان فلسفه و نظریه‌پردازان سیاسی مواجه شده است که مایلند بر استقلال و خود مختاری متن و بالتبع بر متدولوژی قرائت متنی تأکید کنند. دلیل این مخالفت تا حد بسیاری روشن است؛ زیرا طبق مفروض بنیادین متدولوژی قرائت متنی، متون کلاسیک دارای عناصر فرازمانی (Timeless Elements) در قالب ایده‌های عام (Universal Ideas) یا دارای حکمت فرا تاریخی (Datelss Wisdom) با کاربرد عام (Universal)

(Application) هستند و با تأمل و تمرکز صرف بر این متون می‌توان به چنین عناصر و ایده‌های عامی دست یافت و دیگر نیازی به بررسی زمینه اجتماعی و تاریخی این متون برای نیل به چنین هدفی نیست (Ibid, p.69).

دیگر مفروض متدلوژی قرائت متنی این است که اطلاعات نهفته در درون خود متن برای فهم آن کافی است؛ به همین دلیل به مطالعه موضوعاتی چون زمینه اجتماعی و تاریخی متن یا زندگینامه مؤلف و امثال آن که خارج از متن قرار داشته و هیچ بخشی از ساختار متن را تشکیل نمی‌دهند نیازی نیست. بر پایه این مفروض، دخالت دادن هرگونه اطلاعاتی غیر از اطلاعات خود متن در جریان تفسیر آن متن، نوعی خطا به‌شمار می‌رود که خلوص و اصالت متن را خدشه‌دار ساخته، برای تفسیر آن نامربوط هستند (Ibid, p.71).

بر اساس متدلوژی قرائت زمینه‌ای هر دو مفروض بنیادین متدلوژی قرائت متنی اشتباه است و هیچ متنی جدا از زمینه اجتماعی و اوضاع و احوال تاریخی آن قابل فهم نیست و نمی‌توان بدون توجه به این زمینه‌ها به معنا و پیام مندرج در متن دست یافت. اسکینر نیز همسو با دیدگاه مدافعان متدلوژی قرائت زمینه‌ای ضمن اشتباه دانستن مفروضات متدلوژی قرائت متنی بر این باور است که با متزلزل شدن این مفروضات و فروریختن بنای متدلوژی قرائت متنی، متدلوژی قرائت زمینه‌ای به صورت متدلوژی جایگزین برای فهم اندیشه‌های سیاسی و فلسفی مطرح و به‌طور روز افزونی مورد استقبال قرار گرفت. به‌نظر اسکینر حداقل مزیت متدلوژی قرائت زمینه‌ای این است که کمک قابل ملاحظه‌ای می‌کند به پرهیز از برخی خطاها، خطرها و ابهام‌هایی که از متدلوژی قرائت متنی سرچشمه گرفته است، خطاها و ابهام‌هایی که عدم کفایت آن متدلوژی را به اثبات رسانده و اسکینر از آن‌ها به صورت اسطوره (Myth) یاد کرده است و در ارزیابی انتقادی خویش از آن متدلوژی این ابهام‌ها را تحت عنوان «اسطوره شناسی‌های» (Mythologies) مختلف مطرح کرده است (Ibid, p.p.31-55).

بر خلاف متدلوژی قرائت متنی، متدلوژی قرائت زمینه‌ای بر این فرض استوار است که باید هر متن را بر حسب زمینه اجتماعی و اوضاع تاریخی نگارش آن قرائت کرده و فهم معنای متن یا فهم هر ایده و اندیشه‌ای مستلزم فهم زمینه‌ای است که در آن یک نویسنده نوع کلمات و عبارات متن را برگزیده است. بر این اساس، همان‌گونه که انتزاع فرد از جامعه نه ممکن است و نه مطلوب، انتزاع اندیشه و متن از زمینه اجتماعی و تاریخی آن نیز

چنین است؛ پس نمی‌توان معنا یا اندیشه نهفته در متن را به شکل مجرد یا غیر تاریخی دریافت؛ البته این بدان معنا نیست که یک مفهوم یا یک اندیشه را بتوان به‌طور همسان و یکنواخت در طول تاریخ بشری مطالعه کرد بلکه بدین معناست که آن مفهوم یا اندیشه را باید در یک دوره تاریخی خاص و بر حسب تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی آن دوره مطالعه کرد. بدیهی است که بخشی از این مطالعه باید بر این متکی باشد که نویسنده در چه نوع جامعه‌ای در حال نوشتن متن خود بود و ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه در آن زمان چگونه بود و او در چه وضعیتی قرار داشت (Ibid, p.58).

تا بدین جا، اسکینر با متدلورزی قرائت زمینه‌ای موافق و هماهنگ است و وی چه در نقد متدلورزی قرائت متنی و تخریب مفروضات بنیادین آن و چه در خصوص بررسی مفهوم یا اندیشه سیاسی در یک دوره تاریخی - اجتماعی خاص (و نه در طول تاریخ بشری) همراه و همگام با مدافعان این متدلورزی است؛ اما با وجود این، اسکینر انتقادهایی اساسی و جدی به متدلورزی قرائت زمینه‌ای وارد می‌کند که بنیان آن را فرو می‌ریزد. یکی از مهم‌ترین این انتقادات آن است که وی این متدلورزی را مبتنی بر یک اشتباه اساسی درباره ماهیت رابطه بین متن و وضعیت محیطی آن تلقی می‌کند. یعنی به‌رغم این که اسکینر مطالعه زمانه و زمینه اجتماعی را برای فهم متن مفید و لازم می‌داند، ولی مفروض پایه‌ای متدلورزی قرائت زمینه‌ای را مبنی بر این که فهم متن باید بر حسب زمینه اجتماعی آن صورت گیرد، مفروضی اشتباه و نادرست دانسته؛ در نتیجه متدلورزی متکی بر این مفروض را نیز برای فهم معنای متن ناکافی و نامناسب می‌داند؛ البته اسکینر این واقعیت را می‌پذیرد که شناخت زمینه متن به فهم معنای آن متن کمک می‌کند و حتی چنین واقعیتی را منعکس کننده این واقعیت بزرگ‌تر و انکارناپذیر می‌داند که برای اجرای هر کنش همیشه یک مجموعه شرایطی وجود دارد که آن کنش را پدید آورده یا آن را متفاوت ساخته‌اند یا در صورت فقدان آن‌ها کنش مزبور رخ نمی‌داد و یا این که وقوع کنش بر اثر وجود آن مجموعه شرایط قابل پیش بینی بوده است.

دیگر انتقاد مهم اسکینر به مفروض قرائت زمینه‌ای این است که بر مبنای آن مفروض معنا و فهم اصطلاحات به‌شدت به هم پیوسته و وابسته‌اند و لازم و ملزوم یکدیگر تلقی شده‌اند؛ حال آن‌که اسکینر بین معنا و فهم تمایز قائل می‌شود. او با استناد به تحلیل

کلاسیک فیلسوف انگلیسی، جی. ال. آستین معتقد است که فهم عبارت صرفاً درک معنای نطق معین نیست؛ بلکه همچنین فهم آن چیزی است که وی آن را بار کنش گفتاری قصد شده (Intended Illocutionary Force) می‌خواند (Ibid, p.61). به نظر وی، زمینه اجتماعی و محیطی و اوضاع و احوال تاریخی ممکن است برای تبیین معنای نطق یا متن مفید باشد؛ ولی برای فهم بار قصد شده کنش گفتاری (ناطق یا نویسنده) چندان فایده‌ای ندارد؛ یعنی این که حتی اگر ما بتوانیم از مطالعه زمینه اجتماعی و بیرونی یک عبارت تا حدودی به معنای آن نزدیک شویم یا حتی معنای آن را دریابیم، هنوز نمی‌توانیم هیچ درکی از بار کنش گفتاری قصد شده آن و نیز سرانجام هیچ فهم واقعی از آن عبارت داشته باشیم؛ پس بنابه تصریح اسکینر:

به‌طور خلاصه نکته این است که هنوز ابهام غیرقابل اجتناب باقی می‌ماند؛ حتی اگر مطالعه زمینه اجتماعی بتواند به تبیین آن‌ها [متون] کمک کند، این امر به مثابه فراهم کردن ابزارهایی برای فهم آن‌ها نیست (Ibid).

ماحصل کلام این که ادعای اصلی اسکینر این است که درک معنا و درک بار قصد شده برای فهم متون ضرور و اساسی است؛ ولی با وجود این، چنین فهمی نه صرفاً از مطالعه زمینه اجتماعی متن به دست می‌آید و نه از مطالعه محض خود متن؛ از این رو، نه متدلوژی قرائت متنی و تمرکز بر مطالعه خود متن و نه متدلوژی قرائت زمینه‌ای و تمرکز بر زمینه اجتماعی و تاریخی آن هیچ‌کدام برای فهم متون کافی نیستند و اسکینر پس از نقد این دو متدلوژی، بر اساس نظریه کنش گفتاری آستین به ارائه متدلوژی خاص خود در تفسیر متن و فهم معنای آن اقدام می‌کند.

در پایان، ذکر این نکته ضرورت دارد که اسکینر تردید ندارد که نه برای هر متن، بلکه برای هر عبارتی باید زمینه تبیینی وجود داشته باشد؛ زیرا هر متن یا هر عبارتی همانند هر کنشی یک مجموعه اوضاع عملی و علمی متقدم دارد و زمینه اجتماعی و شرایط محیطی و تاریخی می‌توانند به مثابه علت برای معنای متن در نظر گرفته شوند؛ اما وی به صورت استفهامی و به‌طور جدی این تردید را نیز ابراز می‌کند که آیا شناخت علل کنش، به‌واقع معادل فهم خود کنش است (Ibid, p.59).

دلیل اصلی ابراز این تردید آن است که چنین فهمی (فهم خود کنش) به همان میزان که درک شرایط عینی و متقدم را برای رخ دادن کنش فرض می‌گیرد، به‌طور مشابهی درک

هدف کنش را برای کارگزاری که آن را انجام می‌دهد نیز فرض می‌گیرد؛ البته ممکن است ادعا شود که کنش‌های پیچیده و کاملاً قصد شده به صورت نتایج علل بهتر فهمیده می‌شوند یا حتی خود قصد به صورت علت مطرح شود به این معنا که آن مقدم است بر کنش و احتمالاً با نتیجه کنش مرتبط است؛ اما انتقادی که اسکینر به این ادعا وارد می‌سازد، این است که ممکن است ما قصد انجام چیزی یا کاری را بکنیم؛ ولی به انجام آن هرگز اقدام نکنیم یا این که یک قصد اظهار شده باشد بدون آن‌که با هیچ کنش نتیجه بخشی همراه باشد یا این‌که اظهارات مربوط به قصد بعد از انجام کنش بیان شده باشند که در این صورت نه به صورت علت کنش، بلکه برای وصف ویژگی و هدف کنش بیان می‌شوند. با توجه به این مورد، هیچ رابطه منطقی و الزامی آن‌گونه که در یک تبیین علی و علمی (منظور علوم تجربی) مدنظر است نمی‌تواند بین نیت و کنش‌ها وجود داشته باشد.

شایان ذکر است که اسکینر از یک سو میان نیت (قصد) (Intention) و انگیزه (Motive) تفاوت و تمایز قائل است و نیت یا قصد را امری درونی و مربوط به مؤلف یا کنشگر می‌داند؛ ولی انگیزه را امری بیرونی و مربوط به زمینه اجتماعی و تاریخی و بر پایه این تمایز است که انگیزه (در علوم انسانی) را همانند علت (در علوم تجربی) تلقی می‌کند و آن را برای تبیین و توضیح معنا لازم می‌شمرد؛ ولی برای فهم قصد و نیت مؤلف ناکافی و نامناسب می‌داند.

از سوی دیگر، او میان "قصد برای انجام x " (Intention to do x) که ممکن است هرگز به صورت توفیق آمیزی به شکل کنش یا عبارت درنیامده باشد و "قصد در حال انجام x " (Intention in doing x) که صرفاً وقوع کنش مربوط را فرض نمی‌گیرد بلکه ویژگی یا هدف کنش را نیز وصف می‌کند، تمایز قائل می‌شود؛ پس برای هر عبارت ساخته شده یا برای هر کنش انجام شده می‌توان دو قصد در نظر گرفت: یکی قصدی که قبل از انجام کار بوده است (به نظر اسکینر این قصد را می‌توان علت خواند) که ممکن است قصد کننده موفق به انجام آن کار شده یا نشده باشد و دیگری قصد در حال انجام کار است که نمی‌تواند علت باشد؛ بلکه قصدی است که اگر خود کنش به درستی وصف و فهمیده شود، درک می‌شود. اسکینر پس از انجام این تمایزها، شناخت زمینه اجتماعی و تاریخی را به مثابه علت و به منظور تبیین معنا یا قصد برای انجام x مؤثر و مفید قلمداد می‌کند؛ ولی برای درک نیت یا فهم در حال انجام x بی‌تأثیر می‌داند (Ibid, p.p. 61-62) و از آن‌جا که وی درک نیت و درک

قصد مؤلف از نوشتن متن را مهم‌ترین و اصلی‌ترین مرحله روش تحقیق در حوزه‌های تاریخ فلسفه و اندیشه‌های سیاسی به شمار می‌آورد که متدلوژی قرائت زمینه‌ای ناتوان از ارائه راهکار برای نیل به آن است، این متدلوژی را ناکافی و نامناسب قلمداد می‌کند.

نتیجه

مباحث این مقاله نشان می‌دهد که کوئنتین اسکینر از جمله متفکرانی است که به مقوله متدلوژی و کاربرد آن در پژوهش‌های علوم انسانی، به‌ویژه در تاریخ، فلسفه و علوم سیاسی، توجه ویژه‌ای داشته است. انجام پژوهش‌های روشمند و نگارش آثار بر اساس متدلوژی خاص از ویژگی‌های بارز و مثال‌زدنی اسکینر است. تمام آثار وی گواه صحت این مدعا است که در این مقاله به اختصار به آن‌ها اشاره شده. همچنین از مباحث این مقاله چنین استنتاج می‌شود که اسکینر با وجود آن‌که برخی از مبانی و مفروضات متدلوژی قرائت زمینه‌ای را می‌پذیرد و در عمل نیز آن‌ها را به‌کار می‌گیرد، مجموع آن متدلوژی را برای انجام پژوهش در حوزه علوم انسانی ناکافی و نامناسب می‌داند و آن را کنار می‌گذارد. نقد اصلی اسکینر بر این متدلوژی تکیه صرف بر زمینه اجتماعی - تاریخی متون به‌صورت عامل تعیین‌کننده معنای آن‌ها و نادیده گرفتن مباحث فکری و زبان‌شناختی و قواعد مرسوم در هر مقطع تاریخی از یک طرف و بی‌اعتنایی به مؤلف یا نویسنده و عدم توجه لازم به قصد و نیت آن در تألیف یا نگارش متن از طرف دیگر است. وی خود ضمن توجه به این دو طرف و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های فلسفی و زبان‌شناختی ویتگنشتاین و آستین در پی رفع این نقص بر آمده است.

منابع و مأخذ

۱. اسکینر، کوئنتین، *ماکیاولی*، عزت الله فولادوند، تهران، طرح نو، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
1. Palonen Kari, *Quentin Skinner: History, Politics and Rhetoric*, Cambridge, Polity Press, 2003.
2. *Meaning and Context, Quentin Skinner and his Critics*, Edited by James Tully, New Jersey, Princeton University press, 1988.
3. Quentin Skinner, *Liberty Before Liberalism*, Cambridge, Cambridge University press, 1998.
4. Quentin Skinner, *The Foundations of Modern Political Thought*, 2vas, Cambridge, Cambridge University press, 1978.
5. Quentin Skinner, *Visions of Politics: Regarding Method*, Vol I, Cambridge, Cambridge University Press, 2002.
6. Quentin skinner, *Visions of Politics: Renaissance Virtues*, Vol II, Cambridge, Cambridge University press, 2002A.
7. Quentin skinner, *Visions of Politics: Hobbes and Civil Science*, Vol III, Cambridge, Cambridge University press, 2002B.
8. Quentin skinner, *Reason and Rhetoric in the Philosophy of Hobbes*, Cambridge, Cambridge University press, 1996.

۱۶۹

پیش

